

تبیین عوامل مودت ازواج با رویکرد علم دینی با بهره‌گیری از تکنیک‌های نظریه داده‌بنیاد

محمد رضا کدخدایی*

حسین بستان**

محمد رضا احمدی***

منصوره زارعان****

چکیده

ارائه نظریه تبیینی در موضوع عوامل مودت زوجین براساس رویکرد دینی مسئله اصلی این پژوهش است. براساس تحلیل محتوای آیات و روایات و با بهره‌گیری از تکنیک‌های روش داده‌بنیاد، فرایند پنج مرحله‌ای برای بررسی موضوع این پژوهش پایه‌ریزی شد. ۱۱۰ عامل به صورت مستقیم و ۹۷ عامل به صورت غیرمستقیم از گزاره‌های دینی کشف یا استنباط شده و کدگذاری اولیه صورت گرفت. با رفع همپوشانی و سنخ‌شناسی این عوامل، کدهای اکتشافی در محورهای ذیل کدگذاری محوری شدند: عوامل روان‌شناختی شامل عوامل گرایشی، بینشی، کنشی و صفات اخلاقی؛ عوامل اجتماعی شامل هنجارها، نقش‌ها، نهادها، حقوق و تکالیف، مناسک و روابط با دیگر گروه‌های اجتماعی؛ عوامل جسمانی شامل عوامل جوارحی و جوانحی؛ عوامل زیست محیطی و عوامل معنوی. در نهایت عامل نیاز به عنوان عامل مسلط بر تمام محورهای عوامل قابل توضیح و تبیین است. عامل مسلط شامل سه نوع نیاز طبیعی، اجتماعی و متعالی با منشأ طبیعت، اجتماع و مکتب است. **واژگان کلیدی:** مودت ازواج، تبیین عوامل، عوامل مودت زوجین، نظریه دینی.

* دکترای مطالعات نظری جنسیت، دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)

mohammadkadhodaee@yahoo.com

hbostan@rihu.ac.ir

m.r.ahmadi313@gmail.com

m.zarean@alzahra.ac.ir

** دانشیار جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

*** دانشیار روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

**** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۶/۱۷

۱. مقدمه

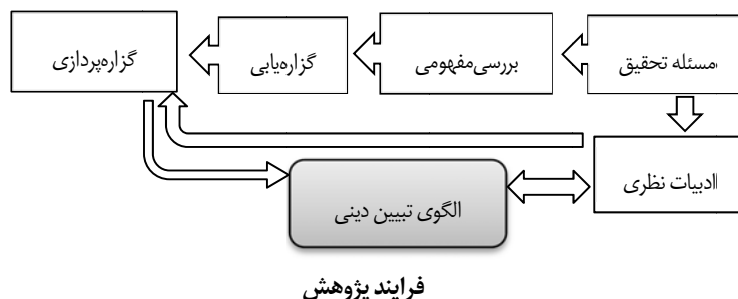
تبیین عوامل مودت ازواج براساس رویکردی دینی مسئله اصلی پژوهش حاضر است. مودت ازواج، اجمالاً به روابط عاطفی بین دو جنس بالغ اشاره دارد که زوجیت به معنای همسری به عنوان یک نهاد اجتماعی، ناظر بر آن سامان یافته است. «تبیین عوامل» اجمالاً به معنای توصیف غنی شده علت‌های مختلف مودت زوجین است به گونه‌ای که ویژگی‌های «تبیین» به اصطلاح علمی را در برداشته باشد. تعبیر رویکرد دینی، اشاره به قالب عملیاتی شده از علم دینی است که براساس آن امکان پی‌ریزی الگوی نظری یا نظریه علمی براساس منابع دینی فراهم می‌گردد.

«تبیین» به عنوان یکی از عناصر پارادایم علم، با بحث علت‌یابی مرتبط است (ایمان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). در تبیین علمی، شبکه روابط بین عوامل و سطح دخالت آن در پدیده انسانی مورد نظر در قالب مفاهیم و سازه‌های نظری توضیح داده می‌شود. از این رو واژه تبیین در ارتباط نزدیکی با مفهوم نظریه و مدل یا الگوی نظری قرار می‌گیرد (ایمان، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵-۱۱۴؛ بستان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). برخی صاحب‌نظران، ارتباط وثیق بین مفهوم تبیین، الگوی نظری و نظریه را مفروض می‌گیرند (رفیع‌پور، ۱۳۸۴، ص ۹۵؛ چلبی، ۱۳۸۵، ص ۸؛ بلیکی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۶-۱۸۷؛ بستان، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸). بنابراین آنچه به عنوان تبیین، مدل یا نظریه اسلامی مودت ازواج از آن یاد می‌کنیم در بردارنده پاسخی کم‌وبیش جامع به این پرسش است که براساس آیات و روایات، چه عواملی در مودت ازواج دخالت دارند. این پاسخ بایستی روابط بین عوامل و سطح دخالت آنها در ایجاد، تقویت، تثبیت و استمرار مودت ازواج را مشخص کند.

تبیین عوامل اکتشافی از متون دینی در قالب الگوی نظری، براساس قرائتی از علم دینی استوار است که دو کتاب گامی به سوی علم دینی و نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی شرح داده شده است. دو پروژه «مدل نظری خانواده باثبات» و «ساخت نظریه عرفی شدن» نمونه‌های عملیاتی شده علم دینی است که با تکیه بر آیات و روایات به تبیین عوامل بی‌ثباتی خانواده و تبیین عوامل عرفی شدن می‌پردازد (بستان، ۱۳۹۲؛ همان، ۱۳۹۷).

۲. چارچوب روشی

این پژوهش با پیش فرض گرفتن مجموعه گسترده‌ای از مبانی دینی، فلسفی و روش‌شناختی در نظریه عملیاتی علم دینی دکتر بستان سامان یافته است. نمودار ذیل مهم‌ترین مراحل فرایند روشی در سامان‌دهی پژوهش است.



بهره‌برداری از تکنیک‌های روش داده‌بنیاد، تکیه‌گاه اصلی فرایند گزاره‌پردازی و ارائه الگوی نظری است. کدگذاری اولیه یا باز با مراجعه به منابع دینی و کشف عوامل از گزاره‌های دینی؛ کدگذاری ثانویه یا محوری با تجمیع و تقسیم عوامل اکتشافی در محورهای مختلف در ضمن رفع همپوشانی عوامل حاصل از کدگذاری اولیه؛ کدگذاری گزینشی براساس گزینش عوامل بنیادین و عامل مسلط؛ مهم‌ترین تکنیک‌های استفاده شده در پردازش گزاره‌ها و ارائه الگوی تبیینی است. براساس فرایند مذکور، ۱۱۰ عامل به صورت مستقیم از گزاره‌های دینی کشف شد. حدود ۹۷ عامل نیز در ضمن تحلیل‌های علمی و عقلی به صورت غیرمستقیم از گزاره‌های دینی استنباط و کدگذاری اولیه شد. مستندات تفصیلی و فرایند اکتشافی این عوامل در رساله دکتری تحت عنوان «تبیین عوامل مودت ازواج با تکیه بر آیات و روایات» به تفصیل بیان شده است. این مقاله درصدد است با رعایت اختصار و بدون اشاره به مستندات قرآنی و حدیثی، به واکاوی، سنخ‌شناسی و تجزیه و تحلیل عوامل پرداخته و ضمن نشان دادن ارتباط منطقی میان سنخ‌های مختلف عوامل، چارچوبی نظری و تبیینی در موضوع مودت ازواج ارائه دهد. این هدف از مسیر کدگذاری محوری و گزینشی بر عوامل اکتشافی پیگیری می‌گردد.

۳. محورهای عوامل اکتشافی

جدول ذیل، محورهای اصلی تفکیک عوامل اکتشافی از آیات و روایات را نشان می‌دهد. عوامل اکتشافی از منابع دینی، براساس سنخ‌های مختلف عوامل فردی، اجتماعی، زیست محیطی و معنوی تقسیم و به اصطلاح کدگذاری محوری شدند. عوامل فردی شامل عوامل روان‌شناختی و جسمی است. عوامل روان‌شناختی دربردارنده عوامل گرایشی، بینشی، رفتاری و صفات؛ عوامل جسمی شامل عوامل جوارحی و جوانحی است. کارکردهای روان‌شناختی و جسمی نیز در ذیل عوامل فردی قرار می‌گیرد. عوامل اجتماعی به عوامل ناظر بر ساختار خانواده و ساختار اجتماع

اشاره دارد. کارکردهای اجتماعی نیز به این دسته عوامل ملحق می‌گردند. در ذیل محورهای مذکور، عوامل حساس به متغیر جنس و جنسیت تفکیک شدند.

عوامل فردی < روان‌شناختی > گرایش
<p>– گرایش فطری عاطفی شامل: میل به باهم بودن، انس‌گیری، صحبت کردن، تراحم و دلسوزی، حمایت‌گری و مراقبت‌گری، صمیمیت و خودمانی‌شدن، خودافشاگری، گرایش به ایجاد انبساط بصری و لمسی، هم‌آغوشی و در بر گرفتن یکدیگر.</p> <p>– گرایش فطری شهوانی شامل: لذت‌بری جنسی از طریق حواس، ذهن‌پردازی جنسی، معاشقه و محادثه، تصویرگری جنسی، هم‌بستری و ارضای جنسی.</p> <p>– گرایش فطری به جذابیت‌های ظاهری طرف مقابل مثل زیبارویی، گشاده‌رویی، خوش‌اندامی.</p> <p>– گرایش فطری به جذابیت‌های اخلاقی طرف مقابل مثل صداقت، یکرویی، سخاوت، عدالت، تواضع.</p> <p>– احساسات و هیجانات هم‌بسته با محبت شامل: احساس آرامش # اضطراب، هیجان جنسی # خمودی، شادی # غم، نشاط # افسردگی، احساس خشیت و انقیاد # پرخاشگری، دل‌تنگی # بی‌اعتنایی، دلسوزی # کینه، مهربانی # بی‌تفاوتی، احساس صمیمیت # بیگانگی، احساس امنیت # وحشت، امیدواری # یأس، احساس اعتماد به نفس # تحقیر و شرمندگی، احساس عزت‌نفس # حقارت، احساس غبطه # حسد، احساس تواضع # خودبرتری، احساس وقار # سبکی، احساس رضایت # طلبکاری، حس اینار # عدم اهتمام، رقت قلب # قساوت قلب، احساس حمیت # بی‌غیرتی، احساس قناعت # زیاده‌خواهی.</p> <p>– احساس لذت به خاطر: ارضای انواع گرایش‌های جنسی، عاطفی و زیباشناختی؛ احساس لذت به خاطر تسکین جسمانی و تعادل مزاج.</p> <p>– احساس منفعت به خاطر: بهره از منافع فردی و اجتماعی و معنوی ازدواج.</p> <p>– ارضای ایمن لذت‌ها و تأمین ایمن منافع فردی، اجتماعی و معنوی.</p> <p>* الگوی تفاوت جنسی در گرایش‌ها: شدت گرایش عاطفی در زن # شدت گرایش جنسی مرد؛</p> <p>* الگوی متفاوت در نوع گرایش زنانه و مردانه نسبت به جذابیت‌های ظاهری.</p> <p>* الگوی متفاوت در نوع صفات جذاب اخلاقی: صبر جنسی و حیا برای زنان، سخاوت و شجاعت برای مردان.</p> <p>* الگوی تفاوت جنسی در هیجانات هم‌بسته با محبت مثل: تأکید بر نشاط، آرامش، انقیاد، مهربانی برای زن و تأکید بر هیجان جنسی، اقتدار، عزت نفس و هیبت‌مندی، احساس حمیت در مرد.</p>
عوامل فردی < روان‌شناختی > رفتاری
<p>– ابراز شناخت مثل صدا زدن با اسم و رسم، صدا زدن با نام مورد علاقه، تأیید شخص و اعتقادات شخص.</p> <p>– ابراز هیجانات ملازم محبت مثل ابراز کلامی محبت، خوش‌رویی، ابراز نشاط و شوخی کردن، حمایت‌کردن و یاری رساندن، صمیمیت و خود افشاسازی، سیاست‌گذاری و هدیه دادن، دربر گرفتن.</p> <p>– لذت‌رسانی از طریق: ارضای نیازهای جنسی، عاطفی و زیباشناختی طرف مقابل.</p> <p>– نفع‌رسانی از طریق: پوشش منافع فردی، اجتماعی و معنوی طرف مقابل.</p> <p>– ابراز جذابیت‌های ظاهری از طریق: آراستگی ظاهر، رعایت نظافت، زینت و تبرج.</p> <p>– ابراز رفتاری صفات نیکوی اخلاقی مثل احسان، لین بودن رفتار، رفتار براساس حسن ظن، حسن اعتماد، حسن همراهی، حسن هم‌نشینی، حسن معاشرت؛ حسن کلام، خوش‌رویی، نیکی در مقابل بدی، ابراز محبت، صبوری، خویش‌داری، نصیحت‌پذیری، تراحم، عدم تفتیش از حوزه خصوصی، عدم عیب‌جویی، عدم انتقاد، احوال‌پرسی، خوش‌وبش، شرم‌نده نکردن، اظهار سرور، احوال‌جویی، انصاف‌ورزی، تراحم، عدم حسدورزی، قطع نکردن احسان، خیررسانی، عدم منع خیر، منع اذیت، خیرخواهی خالصانه، یاری رساندن در سختی‌ها، سیاست‌گذاری، مصافحه، صدا زدن با نام مورد علاقه، وفاداری، مدارا، صداقت، سخاوت، ایثارگری و از خودگذشتگی، عدم جدال، عدم فخرفروشی، عدم لجبازی، عدم خرده‌سنجی و خرده‌گیری، عدم سبک‌سری، عدم کینه‌توزی، کردانی، عدم اهمال‌کاری، عدم مکر، محبت با دوستان شخص، دشمنی با دشمنان شخص، عدم پیروی از سخن چین، سر کوفت نزدن، بدزبانی نکردن، کنایه نزدن.</p> <p>* الگوی تفاوت جنسی رفتار شامل: تفاوت در شیوه کنش‌گری و واکنش شهوانی زن و مرد؛ تفاوت در شیوه کنش‌گری و واکنش عاطفی زن و مرد؛ تفاوت زن و مرد در شیوه آراستن و پیراستن ظاهر؛</p>

* الگوی تفاوت جنسیتی رفتار شامل: رفتار متناسب با نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی اجتماعی و دینی.
عوامل فردی < روان‌شناختی > بینشی
– شناخت خود شامل: شناخت ویژگی‌های، نقاط قوت و ضعف خود در ابعاد مختلف جسمی، روانی، اخلاقی، اجتماعی، معنوی خود؛ شناخت ویژگی‌های رفتاری، گرایشی، بینشی طرف مقابل؛ شناخت جذابیت‌های ظاهری و اخلاقی طرف مقابل؛ شناخت لذت‌ها، منافع و مصالح مترتب بر ارتباط با طرف مقابل؛ شناخت خدا و دین. * شناخت تفاوت‌های تکوینی جنسی خویشتن * شناخت تمایزات جنسیتی در نقش‌ها، پایگاه‌ها، نهادها، نمادها و هنجارهای اجتماعی و دینی.
عوامل فردی < روان‌شناختی > صفات اخلاقی
– صفات اخلاقی نیکو# صفات اخلاقی زشت، خویشتن‌دار، مؤمن، متواضع# متکبر، صبور، مهربان، یکرنگ# دو رو، حلیم، عقیف، باوقار، کم‌حرف، قانع، مستهزی، حسود، بزرگ‌منش، باحیا، باوقا# خائن، صادق، سخی# بخیل و شحیح (تنگ‌نظر)، محل امید بودن، مودب، گذشت‌کننده# کینه‌توز. * صفات اخلاقی جنسی مثل تأکید بر صفت حیا و مهربانی زن و شجاعت و غیرت‌ورزی مرد. * صفات اخلاقی جنسیتی مثل سخاوت شوهر، قناعت زن.
عوامل فردی < جسمی > جوارحی و جوانحی
– سلامت اندام‌های ناظر بر قوای ادراکی و هیجانی و رفتاری: قوه بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه، عاقله و واهمه، کبد، عرق و مزاج. – تناسب اندام و جذابیت‌های ظاهری، بدن و دهان خوشبو. – نشانگان زیستی و حالات نمادین جسمی متناسب با هیجانات مرتبط با محبت: انبساط چهره# گرفتگی چهره، عدم انقباض بدن# اشمئزاز، قرار بدن# اشعرار و عض انامل، استقرار و آرامش چشم، پر آب شدن چشم؛ روی کردن# پشت کردن، لین جناح، لین کنف. * سلامت اندام جنسی مثل جهاز تناسلی، جهاز فرزندآوری، جهاز شیردهی، غدد جنسی. * نشانگان زیستی جنسی مثل خروج منی و رشد موهای خشن در صورت مردان؛ حیض و رشد پستان‌ها در زنان. * جذابیت‌های ظاهری جنسی مثل لطافت و ظرافت جسمانی زنانه و تنومندی و هیبت‌مندی مردانه، گیسوان بلند و نداشتن مو در صورت و بدن زنان و وجود مو در صورت و بدن مردان. * نشانگان و جذابیت‌های ظاهری جنسیتی مثل طنازی و عشوه‌گری با چشم و ابرو در زنان؛ شیوه آرایش، پیرایش و زینت زنانه و مردانه، رنگ و شکل لباس زنانه و مردانه.
عوامل فردی < کارکردهای روان‌شناختی و جسمی
– کارکردهای روانی ازدواج مثل آرامش و تعادل روانی، نشاط‌آوری، لذت شهوانی، لذت عاطفی، لذت زیباشناختی، پرورش صفات اخلاقی نیکو مثل ایثار. – کارکردهای جسمی ناشی از نزدیکی مثل تسکین درد جسمی و تعادل مزاج. * الگوی جنسی و جنسیتی کارکردهای روان‌شناختی و جسمی
عوامل اجتماعی < کارکردهای اجتماعی
کارکردهای اجتماعی ازدواج مثل مشروعیت اجتماعی، تنظیم رفتار جنسی، تولید و تکثیر نسل، توسعه روابط خویشاوندی، ایجاد روابط اجتماعی جدید مثل همسایگی، روابط اقتصادی، برخورداری از حمایت اقتصادی، بالا رفتن قدرت و نفوذ اجتماعی، برخورداری از مراقبت و حمایت اجتماعی، تأمین نیازهای معیشتی و عاطفی، کنترل اجتماعی و تثبیت الگوی تفاوت‌های جنسی و جنسیتی.
عوامل اجتماعی < ساختار خانواده
– الگوی تقسیم‌کار بین زوجین: کارهای داخل خانه / خارج از خانه. – الگوی تقسیم نقش‌های خانوادگی بین زوجین مثل قوامیت و نان‌آوری مرد در برابر خانه‌داری، فرزندآوری و فرزندپروری زن. – الگوی تقسیم حقوق و تکالیف بین زوجین مثل حق طلاق و ارث و اطاعت برای مرد؛ حق مهریه، نفقه و ارث زن. – هنجارها و نهادهای اجتماعی ناظر بر فرایند همسرگزینی: شیوه همسرپایی، خواستگاری، فرایند تحقیق، محرمیت و نامحرمیت، سن ازدواج، میزان نقش اراده هرکدام از زوجین و اطرافیان در ازدواج. – الگوهای کفویت شامل: همسانی در دین، ایمان، مذهب؛ همسانی در ارزش‌ها و اولویت‌ها، همسانی در پاکدامنی و عدم

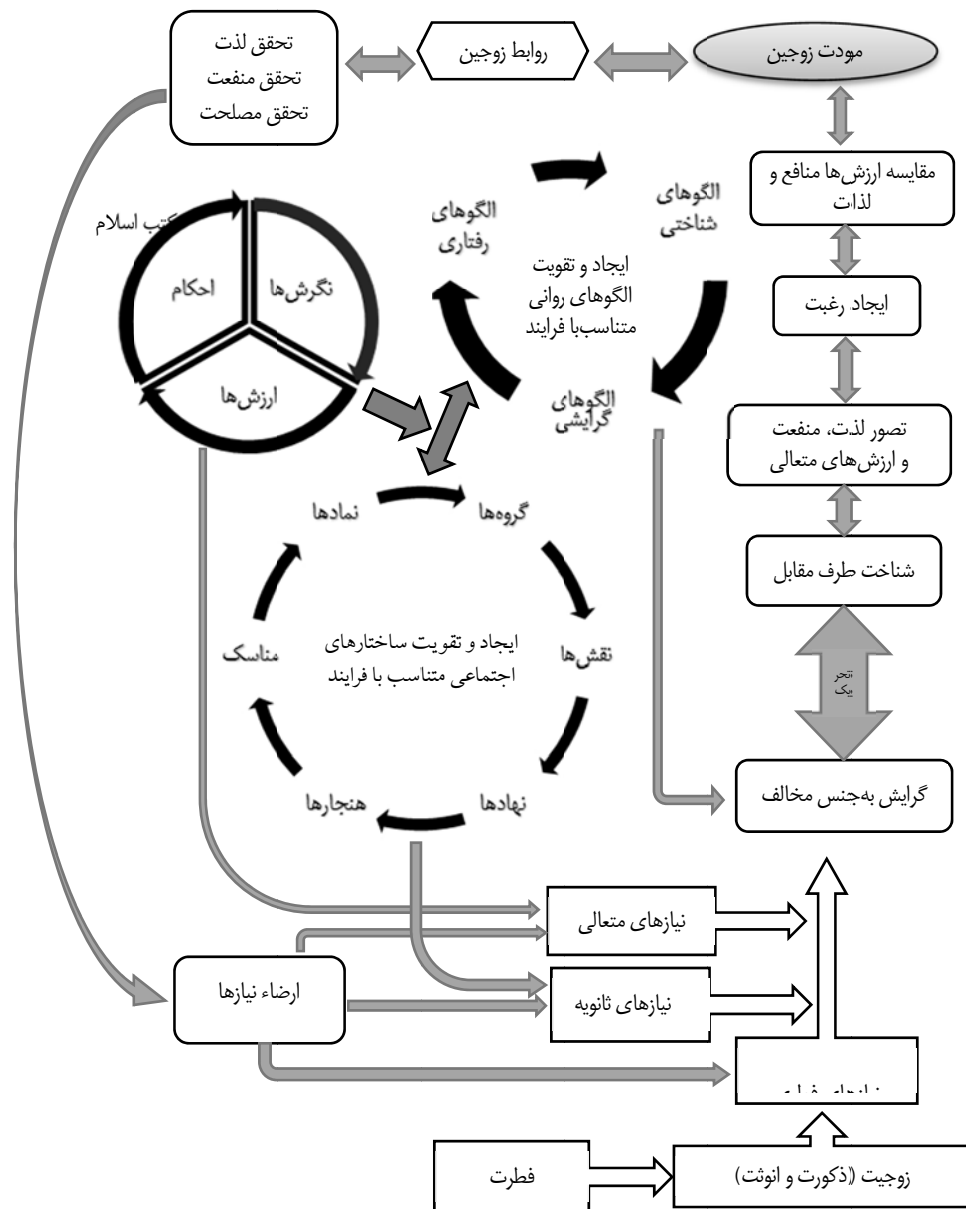
<p>پاک‌دامنی، همسانی در دانش و فرزاندگی.</p> <p>– قرارداد ازدواج: حق انتخاب و حاکمیت اراده، ضمانت‌اجرای اجتماعی، حقوق و تکالیف الزامی و اخلاقی ملازم با ازدواج، ویژگی‌هایی ناظر بر تلازم و تعادل و تناسب حقوق و تکالیف، فرایند احقاق حقوق و انجام تکالیف، فرایند حل اختلاف.</p> <p>– مناسک اجتماعی ناظر بر ازدواج مثل ولیمه، اعلام عمومی، جشن و شادی عمومی.</p> <p>– الگوهای روابط زوجین در خانواده: دگر جنس‌گزینی، تک‌همسرگزینی، ازدواج دائم و موقت، تعداد فرزندان، وجود کودک خردسال، بُعد خانواده.</p> <p>– میزان تعهد، کاردانی، پابندی و رضایت هرکدام از زوجین در مورد نقش‌ها، حقوق، مسئولیت‌های مورد انتظار.</p> <p>– الگوی روابط اجتماعی زوجین در اجتماع: روابط اجتماعی هرکدام از زوجین با دیگر گروه‌ها یا نهادهای اجتماعی مثل کمیته و کیفیت روابط زوجین با بستگان طرف مقابل، همسایگان، همکاران، دوستان و... .</p>
<p>عوامل اجتماعی < ساختارهای اجتماع</p> <p>– تمایز در گروه‌های اجتماعی مثل رنگ، نژاد، قبیله</p> <p>– تمایز در نمادهای اجتماعی مثل زبان، نوع لباس</p> <p>– الگوی تمایز نقش‌ها و روابط اجتماعی در قالب روابط ولایی و استخدام‌گری متقابل</p> <p>– الگوی تمایز جنسیتی نقش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی زن و مرد مثل نقش جهادگری، رهبری اجتماعی و مشاغل سخت اجتماعی برای مردان و نقش‌های مراقبتی و پرستاری برای زنان.</p> <p>– الگوی تمایز جنسیتی حقوق و وظایف اجتماعی زن و مرد مثل حقوق و تکلیف ناظر بر مناصب اجتماعی، حق و تکلیف دیه.</p> <p>– الگوی تمایز جنسیتی هنجارهای اجتماعی زن و مرد مثل محرم و نامحرمی و هنجارهای ناظر بر آن، اختلاط بین دو جنس در جامعه.</p> <p>– الگوی تمایز جنسیتی نمادهای دینی و اجتماعی زن و مرد: تمایز در نوع پوشش، تمایز در نوع آرایش و پیرایش، تمایز در نوع زینت‌ها، تمایز در الگوهای کلامی، الگوهای رفتاری (مثل شیوه سوار شدن بر مرکب).</p> <p>– الگوی تمایز جنسیتی مناسک دینی و اجتماعی زن و مرد: شیوه وضو گرفتن، شیوه نمازخواندن، نماز جمعه و جماعت.</p> <p>– همسانی شامل: همسانی در منزلت اجتماعی، همسانی در عقل و فهم، همسانی در نیکوکاری و شرارت، همسانی در دین و ایمان، همسانی در نظام ارزشی.</p>
<p>عوامل زیست‌محیطی</p> <p>– موقعیت مکانی و آب و هوایی: اهالی برخی شهرها مثل خراسان؛ قبیله‌ها مثل قریش؛ نژادها مثل بربر</p> <p>– زمان ازدواج و زفاف و نزدیکی شامل: نزدیکی و ازدواج در ساعت خاصی از شب و روز یا ایام هفته و ماه و سال، قمر در عقرب</p> <p>– غذاهای مؤثر در قدرت جنسی مثل انجیر، خرما، حلیم، شیر عسل، گوشت با تخم‌مرغ.</p> <p>– داروهای مؤثر بر قدرت جنسی: نوره، حنا، سرمه، سُعد.</p> <p>– شیوه ارتباط با حیوانات.</p>
<p>عوامل و کارکردهای معنوی</p> <p>– انجام دستورات غیرارشادی دینی مثل دعاها، اذکار، سجده بین اذان و اقامه، گفتن بسم‌الله در هنگام نزدیکی.</p> <p>– سحر، طلسمات، اوراد.</p> <p>– کارکردهای معنوی و اخروی ازدواج مثل زیاد شدن ایمان، دین‌داری، ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام)، زیاد شدن ثواب عبادات، شفاعت در قیامت، جلب رحمت الهی و مصونیت از غضب خدا.</p>

۴. الگوی نظری مودت ازواج

در این بخش به ساخت مدل نظری انتزاعی از عوامل مودت ازواج خواهیم پرداخت. گزینش عامل مسلط، شناسایی عوامل بنیادین و در نهایت ترسیم فرایند منتهی به مودت ازدواج یا به عبارتی کشف و دنبال کردن خط داستان، در این مرحله پیگیری می‌گردد. تأمل در مبانی و عوامل کدگذاری

شده در بخش پیشین، توجه به منطق حاکم بر طبقه‌بندی عوامل در کدگذاری محوری، در ضمن رفت و برگشت مکرر به چارچوب‌های نظری موجود، مهم‌ترین بخش فعالیت پژوهشی در این مرحله از تحقیق است.

مدل تبیینی انتزاع شده براساس فرایند مذکور، در نمودار ذیل به‌طور خلاصه نشان داده می‌شود. اجمالاً کدگذاری گزینشی با انتخاب عامل نیاز به‌عنوان عامل مسلط بر سنخ‌های مختلف عوامل، خط داستان را در سه چرخه منتهی به تأمین نیازهای اولیه، ثانویه و متعالی پیگیری می‌کند. عوامل جسمانی و محیطی در شمار پیش‌زمینه‌های مؤثر بر مودت زوجین و عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و دینی سه چرخه اصلی عوامل منتهی به مودت ازواج را پوشش می‌دهد. عوامل معنوی نیز بنابر پیش‌فرض متاتئوریک در شمار عوامل مداخله‌گر در دیگر عوامل قرار می‌گیرد. تحلیل تفصیلی منطق حاکم بر گزینش عامل مسلط، گزینش عوامل بنیادین از بین محورهای مختلف عوامل کدگذاری شده در کدگذاری محوری و منطق حاکم بر آن، بیان روابط و سازوکارها حاکم بر این مدل؛ در ادامه بررسی می‌شود.



نمودار ۳. مدل انتزاعی تبیین عوامل مودت ازواج با رویکرد اسلامی

۴-۱. گزینش عامل مسلط

عامل نیاز به‌عنوان عامل مسلط بر همه عوامل و سنخ‌های مختلف آن، گزینش می‌گردد. توجه معناشناختی به مفهوم زوجیت در کاربردهای قرآنی و استلزامات هستی‌شناختی زوجیت به معنای خلقت براساس ذکورت و انوئت، دلالت‌گر این گزینش است. مفهوم مکملیت متقابل بین دو طرف زوجیت، نوعی نقصان و نیاز متقابل در وجود هرکدام از ازواج را اشاره دارد. جریان زوجیت در انسان از طریق ذکورت و انوئت، نشان می‌دهد مکملیت و نقصان متقابل ریشه در شیوه خلقت زن و مرد دارد. شیوه خلقتی که معطوف به اهداف فردی، اجتماعی و معنوی است و از آن به فطرت یاد می‌شود.

تبیین مسلط بودن عامل نیاز ضمن تأمل در عوامل کشف شده و با توجه به ظرفیتی که نظریه‌های نیاز در اختیار قرار می‌دهد، قابل توضیح است. نظریه‌های پرشمار علمی، فلسفی و کلامی مبنای انگیزشی کنش‌ها یا رفتارهای مبتنی بر انگیزش را براساس مفهوم نیاز صورت‌بندی می‌کنند.^۱ در بین اندیشمندان اسلامی دیدگاه‌های تبیینی اندیشمندانی مثل غزالی، ابن مسکویه، علامه طباطبایی، شهید مطهری و شهید صدر در ارتباط با مسلط بودن عامل نیاز، به چارچوب مفاهیم و مباحث دینی نزدیک‌تر است. وجه تبیین‌گری دیدگاه شهید صدر به لحاظ پوشش سنخ‌های مختلف عوامل فردی، اجتماعی و مکتبی، با پژوهش حاضر سازگارتر است (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۲۲-۵۸؛ ج ۳، ص ۲۷۵؛ ج ۱۷، ص ۹۵). در ادامه با الهام از دیدگاه شهید صدر، نقش مسلط عامل نیاز در موضوع روابط عاطفی همسران را پیگیری می‌کنیم (کدخدایی، ۱۳۹۶، ص ۱۵).

نیازهای اولیه (طبیعی)، نیازهای ثانویه (اجتماعی) و نیازهای متعالی (مکتبی) سه سنخ اصلی نیازها هستند. نیازهایی که انسان با قطع نظر از زندگی اجتماعی (شرایط عینی یا ذهنی ما قبل الاجتماع) و به لحاظ طبیعت بشری دارد، را نیازهای طبیعی می‌نامیم. نیازهای طبیعی انسان نشأت گرفته از ساختار ارگانیک و شرایط زیستی انسان در طبیعت است. این نیازها که باعنوان نیازهای اولیه قابل شناسایی است، نیازهای عمومی، ثابت و مشترک بین همه انسان‌هاست. برخی از نیازهای اولیه ماهیتی سوق‌دهنده به روابط با هم‌نوعان دارند. نیاز جنسی و عاطفی نسبت به جنس مخالف و نیاز به امنیت از این دسته‌اند.

نیاز قدرتمند جنسی و عاطفی نسبت به جنس مخالف، زن و مرد را به ایجاد ارتباط با جنس مخالف سوق می‌دهد و روابط اولیه انسانی میان دو جنس مخالف ایجاد می‌گردد. ارضای

۱. فروید، فروم، آدلر، موری، مزلو، راجرز، مک‌کلند، آلدرفر، کویینگ، نظریه‌پردازان شاخص روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی در، صورت‌بندی نظریه‌های نیاز هستند.

نیاز جنسی-عاطفی، تحقق امنیت و عوامل دیگری مثل تناسل یا همراهی روابط جنسی و عاطفی با برخی کارکردهای معیشتی باعث ساخت‌یابی روابط جنسی عاطفی ازواج می‌گردد. شکل ابتدایی ساختار زوجیت و خانواده، اولین ساختاری است که با توجه به روابط مودت‌آمیز همسران و متناسب با نیازهای طبیعی سامان می‌یابد. با سامان‌یابی نظام زوجیت و خانواده و بازتولید فرایند مذکور بین ازواج، روابط بینافردی متکثری از سنخ‌های دیگر روابط اجتماعی نیز حاصل می‌گردد. روابط خویشاوندی، همسایگی، قبیله‌گی، نمونه‌های اولیه شکل‌گیری و توسعه روابط و ساختارهای اجتماعی است. متناسب با اقتضانات طبیعی روابط اجتماعی و توسعه آن، سنخ‌های جدیدی از نیاز بروز می‌کند.

همگام با ایجاد و توسعه روابط بینافردی و تکثر تجارب ارتباطی و رشد آگاهی‌های انسان نسبت به راه‌های مختلف ارضای نیازهای طبیعی اولیه، نیازهای دیگری بین افراد متعامل در ساختارهای زوجیت، خانواده و دیگر ساختارهای اجتماع ایجاد می‌گردد. انواع مختلف تقسیم‌کار، تخصصی شدن روش‌های ارضای نیاز و امثال آن، منشأ اصلی شکل‌گیری نیازهای جدید است. نیاز به معاشرت، مبادله، تعاون، عدالت اجتماعی، آزادی اجتماعی، انصاف و نیاز به امنیت اجتماعی نسبت به تأمین نیازهای اولیه، نمونه‌ای از نیازهای جدید است.

نیازهای جدید به وسیله نهادهایی مثل احکام، حقوق و تکالیف، مناصب اجتماعی، آداب و مناسک اجتماعی پشتیبانی می‌شوند. با تنوع این نیازها و رشد و تنوع روش‌های همواره روبه‌گسترش ارضای نیازها، این فرایند به اشکال پیچیده‌تری از روابط اجتماعی و نیازهای متناسب با آن منتهی می‌شود. همه این نیازها را می‌توان نیازهای ثانویه یا اجتماعی نامید. این نیازها همگام با ایجاد روابط اجتماعی و متناسب با اقتضانات طبیعی گسترش و پیچیدگی‌های این روابط حاصل می‌گردد. نیازهای ثانویه اجتماعی ممکن است معاضد یا مزاحم ارضای نیازهای اولیه در شرایط طبیعی باشد.

با شکل‌گیری نیازهای ثانویه، انگیزه کسب منفعت به خاطر ارضای نیازهای ثانویه اجتماعی به‌عنوان عاملی معاضد یا مزاحم انگیزه کسب لذت به‌خاطر ارضای نیازهای طبیعی اولیه، وارد فرایند علی مودت زوجین می‌گردد. تحت تأثیر اقتضانات و ویژگی فطری حب نفس و استخدام‌گری و در جهت رفع نیازهای اولیه و ثانویه از یک‌سو و محدودیت امکانات طبیعی و اجتماعی از سوی دیگر، کشمکش بین انسان‌ها در ساختارهای اجتماعی بالا می‌گیرد. این امر بر پیچیدگی‌های روابط اجتماعی افزوده و ساختارهای اجتماعی را در معرض تزلزل و فروپاشی قرار می‌دهد.

روابط مودت‌آمیز همسران در ساختارهای زوجیت و خانواده و دیگر ساختارهای اجتماعی مرتبط با آن از این آسیب مصون نخواهند بود. غریزه حب ذات و استخدام‌گری که در شرایط طبیعی

باعث مودت ازواج و ساختارهای منسجم اجتماعی مثل زوجیت و خانواده می‌گردد، در شرایط به وجود آمده عامل ازهم‌گسیختگی اجتماعی می‌گردد. مکاتب مختلف اجتماعی راهبرد مناسب برای جلوگیری از این گسیختگی یا ایجاد انسجام و نظام مستحکم براساس اهداف خود را دنبال می‌کنند.

ایجاد نگرش جدید نسبت به انسان و هستی، نسبت به ارزش‌ها و سرانجام ارائه دستورات لازم برای نیل به این ارزش‌ها و پیش‌بینی ضمانت اجرا، مسیر اصلی مکاتب است. این مسیر منتهی به القای نیازهای جدیدی در انسان می‌گردد که به «نیازهای مکتبی» قابل نامگذاری است. مکاتب رقیب عموماً این نیازها را با برجسب نیازهای جعلی، کاذب یا نیازهای خرافی توصیف می‌کنند. ایجاد نیازهای جدید یا بازنمایی برخی نیازها نسبت به دیگر نیازها، راهبرد اصلی مکاتب اجتماعی و از جمله مکتب اسلام در شکل‌دهی به نیازهای مکتبی است (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۲۲ و ۴۵؛ ج ۳، ص ۲۷۵). نیازهای مکتبی اسلام را براساس مبنای متاتئوریک، نیازهای متعالی می‌نامیم. نیازهای متعالی در حقیقت از سنخ نیازهای معنوی یا شکل بازنمایی شده نیازهای اولیه و ثانویه به‌گونه‌ای معطوف به آرمان‌های مکتب اسلام است. اسلام ضمن زیربنایی دانستن غریزه خوددوستی، نوع خاصی از نیازها را در وجود زوجین بروز داده و تحریک می‌کند که اولاً، منافاتی با نیازهای اولیه و ثانویه ندارد بلکه اجمالاً مؤید و تقویت‌کننده آن است. ثانیاً، ارضای نیازهای متعالی مبتنی بر همان ویژگی فطری حب ذات و غریزه استخدام‌گری زوجین است؛ لکن به‌گونه‌ای است که نه تنها عامل کشمکش و اختلال در نظام مبتنی بر روابط همسران نمی‌شود، بلکه زمینه انسجام و اتحاد آنها را در بهترین کیفیت ایجاد می‌نماید (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۵۸). خلاصه آنکه، سه دسته نیازهای اولیه ناظر بر طبیعت انسانی و خلقت مبتنی بر ذکورت و انوئت، نیازهای ثانویه محصول شکل طبیعی روابط اجتماعی و نیازهای متعالی ناظر بر نیازهای معنوی، عامل مسلط بر محورهای مختلف عوامل شمارش شده در مراحل قبلی است. در ادامه ضمن مرور محورهای عوامل مختلف مؤثر بر مودت ازواج، به گزینش عامل بنیادی در هرکدام از محورها پرداخته و سازوکارهای حاکم بر عوامل بنیادین در محورهای مختلف کدگذاری شده را براساس عامل نیاز نشان خواهیم داد.

۴-۲. گزینش عوامل بنیادین و بیان روابط

اصل تجمیع ایجاب می‌کند با توجه به محورهای اصلی عوامل در کدگذاری محوری، عامل بنیادی در هر محور را متناسب با عامل مسلط گزینش کرده و در اصطلاح خط و ربط داستان منتهی به

مودت ازواج را توضیح دهیم. مهم‌ترین محورهای مطرح که عوامل بنیادین از بین آنها مشخص خواهد شد عبارت‌اند از: عوامل جسمانی شامل عوامل جوارحی، جوانحی و حالات بدن؛ عوامل روان‌شناختی شامل عوامل گرایشی، بینشی، رفتاری و صفات اخلاقی؛ عوامل اجتماعی شامل نهادها، هنجارها، نقش‌ها، گروه‌ها، حقوق و مسئولیت‌ها، مناسک و نمادها؛ عوامل زیست‌محیطی و نهایتاً عوامل معنوی.

«نیروی جنسی-عاطفی» ناشی از سلامت مزاج در محور عوامل جوانحی به‌عنوان عامل بنیادین انتخاب می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۴۱۱ و ج ۲، ص ۳۳۵ و ج ۲۸، ص ۶۲ و ج ۱، ص ۴۳؛ علی‌بن موسی، ۱۴۰۲، ص ۹؛ النور، ۵۹؛ النساء، ۶؛ الاسراء، ۳۴). «جذابیت‌های ظاهری زنانه و مردانه» در عوامل جوارحی و حالات بدن، بنیادی‌ترین عامل ناظر بر جسم‌گزینش می‌گردد (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۰ و ۳۸۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۴ و ۳۳۵؛ الواقعة، ۳۶. الصافات، ۴۸. النبأ، ۳۳). جسم موضوعی است که کنش عاطفی مودت ازواج ناظر بدان شکل می‌گیرد. عوامل ناظر بر جسم نسبت به عوامل روان‌شناختی را می‌توان در شمار عوامل پیش‌زمینه قلمداد نمود. «شرایط آب و هوایی و اقلیمی» نیز به‌عنوان عامل بنیادین در بین عوامل زیست‌محیطی انتخاب و به عوامل پیش‌زمینه ملحق می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۳۲۷؛ علی‌بن موسی، ۱۴۰۲، ص ۶۵). شرایط محیطی عموماً از طریق عملکردی که بر عوامل جوانحی (مثل مزاج) و جوارحی (مثل رنگ پوست) می‌گذارد وارد چرخه تبیین علی مودت ازواج می‌گردند.

عوامل روان‌شناختی تکیه‌گاه اصلی عوامل مودت ازواج و بُعد گرایشی عزیمت‌گاه اصلی عوامل روان‌شناختی است. ماهیت محبت را چه مفهومی ماهوی از سنخ کیف نفسانی بدانیم و چه مفهومی انتزاعی که حکایت از کیف نفسانی دارد، به حیظه گرایشی نفس مرتبط می‌گردد. شهوت یا «گرایش به لذت‌بری جنسی در مردان» و «گرایش به لذت‌بری عاطفی در زنان» عامل بنیادین در محور عوامل گرایشی است (آل‌عمران، ۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۱ و ۳۳۹). طبیعی، قدرتمند و فراگیر بودن، ویژگی‌های اصلی این عامل و علت بنیادین بودن آن است. وجود چنین گرایش قدرتمندی در سیستم روان‌محصول نیاز اولیه زن و مرد به جنس مقابل است.

شناخت جذابیت‌های ظاهری و عاطفی در طرف مقابل عامل بنیادین در محور عوامل بینشی است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۷ و ۵۲۵ و ۵۴۲؛ نهج‌البلاغه، ص ۱۶۰؛ النور، ۳۰-۳۱؛ الأحزاب، ۳۲). نیاز به لذت‌بری جنسی و عاطفی عامل تحریک قوای ادراکی برای پوشش عینی این نیاز است. «صمیمیت» برای زنان (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳،

ج ۳، ص ۳۸۰؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۷ و ج ۶، ص ۵؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۳۱۷ و ص ۳۱۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳ و ۶۳) و «تمکین رضایت‌بخش جنسی» برای مردان (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۰؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۱، ۳۲۴ و ۳۳۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۶۳، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷ و ۱۱۸؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۰۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۳۸)، عامل بنیادین در محور عوامل کنشی است. کنش متناسب با نیاز و گرایش به لذت‌بری عاطفی و جنسی در قالب صمیمیت و تمکین رضایت‌بخش جنسی، بروز و ظهور رفتاری می‌یابد.

«حمیت و وفا» در مردان (النساء، ۴، ۱۹ و ۲۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۱۷ و ج ۲۱، ص ۵۱۷؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۱۸ و ۵۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۴ و ۲۱۵؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۴۶) و «عفت جنسی» در زنان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۴ و ۳۳۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۸ و ۶۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۳۸)، به‌عنوان عامل بنیادین در بین صفات اخلاقی زوجین بازنمایی می‌گردد. حمیت به معنای حمایتگر و وفا به معنای اهتمام داشتن به طرف مقابل، عفت به معنای حفظ خویش از غیر، صفاتی هستند که کنش متناسب با نیاز و گرایش به لذت‌بری عاطفی و جنسی را در دو جنس مخالف پشتیبانی کرده، ارضای مستمر و ایمن آن را ضمانت نموده، زمینه‌ساخت‌یابی آن در سیستم روان را مهیا و در نهایت غریزه استخدام‌گری را ارضا می‌کند؛ از این رو به‌عنوان عامل بنیادین در محور صفات اخلاقی قابل طرح است.

روابط جنسی و عاطفی زوجین در جهت تحقق عینی لذت جنسی و عاطفی و ارضای نیاز اولیه، اولین مرحله بعد از شکل‌گیری فرایند مودت در سیستم روان است که زوجین را به سطح تعاملات اجتماعی وارد می‌کند. تحقق لذت جنسی و عاطفی و ارضای نیاز اولیه، مهم‌ترین کارکرد مودت و روابط زوجین در شرایط طبیعی است که خود به‌عنوان عاملی برای الگوگیری سازمان روانی و تقویت چرخه مذکور خواهد بود.

با شکل‌گیری روابط بین دو جنس براساس مودت نهادینه شده در سیستم روان، ساختارهای جدید اجتماعی شکل گرفته یا نقش عاملی خود را بروز می‌دهند. عوامل اجتماعی شامل تأثیر و تأثر متقابل ساختارها و کنشگران اجتماعی است. روایت (الإِسْلَامُ عَشْرَةُ عَشْرَةَ أَشْهُمٍ ... التَّاسِعَةُ الْجَمَاعَةُ وَ هِيَ الْأَلْفَةُ) (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۳) بین اجتماع و ایجاد الفت رابطه مستقیم ایجاد کرده است.

ساختارهای اجتماعی الگوهای نسبتاً ثابتی از روابط هستند که کیفیت پیوند و تعامل کنشگران به‌عنوان بخشی از این کل ساخت یافته را معین می‌کند (بستان، ۱۳۹۹، ص ۸۷). هر قدر ساختارهای اجتماعی متعامل با یکدیگر دارای ارتباط عمیق‌تر و ساخت یافته‌تری باشند، بیشتر

باعث حفظ کنشگران انسانی درگیر با این ساختارهای متعامل می‌گردند. براساس استدلال مذکور، روایاتی مثل (صَلَّةُ الرَّحِمِ تُوجِبُ الْمَحَبَّةَ) (تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۴۰۶) را می‌توان در مسیر تثبیت مودت ازواج نیز تعبیر نمود. ساختار کلی اجتماع از طریق ساختارهای خردتر، نهادها، نقش‌ها، پایگاه‌ها، کارکردها، نمادها، مناسک و هنجارهای اجتماعی تحقق می‌یابد و در معرض تأثیر و تأثر متقابل با کنشگر قرار دارند. عوامل اجتماعی مودت ازواج با توجه به این مؤلفه‌ها و سازوکارهای حاکم بر آن، کشف و تبیین می‌گردند.

در بین عوامل اکتشافی از منابع دینی، «کفویت» بنیادی‌ترین عامل اجتماعی در محور هنجارهای اجتماعی گزینش می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۹۲؛ تمیمی، ۱۴۱۰، ص ۲۹، ۱۰۵، ۲۲۰ و ۴۲۳؛ ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۳۷۳؛ البقرة، ۲۲۱؛ النور، ۲۶؛ الأحزاب، ۲۸؛ النور، ۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۵۰؛ العنکبوت، ۲۵). معیارهای کفویت به وسیله هنجارهای اجتماعی تحمیل می‌گردد. مبادله متوازن و عدالت اجتماعی در تبادل منافع، از نیازهای ثانویه بشر در اجتماع است. در موضوع حاضر عدم تحقق شایسته این نیازهای ثانویه به تزلزل و فروپاشی روابط زوجین منتهی می‌گردد. الگوهای همسرگزینی، شیوه تعامل با همسران و بسیاری از نهادهای ناظر بر روابط همسری، تحت تأثیر این عامل بنیادی رقم می‌خورد.

«ازدواج»، بنیادی‌ترین عامل بین نهادهای اجتماعی است (النساء، ۲۱) که بعد از شکل‌گیری مودت و روابط زوجین در شرایط طبیعی، به‌عنوان اصلی‌ترین جزء ساختار زوجیت مطرح می‌شود. روابط همسری به وسیله این قرارداد اجتماعی رسمیت می‌یابد. ازدواج در مرحله اول، تعهد نسبت به ارضای ایمن، مبتنی بر اراده، عادلانه و پایدار نیازهای اولیه و ثانویه زوجین است. به وسیله ازدواج به‌عنوان یک پیمان قوی و ضمانت شده اجتماعی (میثاق غلیظ)، زوجین نسبت به استمرار روابط مبتنی بر مودت متعهد می‌گردند. افزون بر این ساختارهای زوجیت، خانواده، شبکه خویشاوندی یا شکل جدیدی از الگوهای روابط همسایگی و روابط اجتماعی، به وسیله نهاد ازدواج ایجاد و متقابلاً پشتیبانی می‌گردد.

نقش «مدیریت خانواده و نان‌آوری شوهر» در برابر نقش «فرزندآوری و مدیریت امور خانه به وسیله زوجه»، عوامل بنیادین ناظر بر نقش‌های خانوادگی همسران است (النساء، ۳۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۲؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۱۴؛ ورام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶). شکل‌گیری هسته اولیه ساختار خانواده به وسیله ازدواج، مستلزم سطحی از تقسیم‌کار بین زن و شوهر است. با فرزندآوری که عاملی برای تثبیت مودت همسران است، هسته اولیه خانواده توسعه یافته و تقسیم‌کار وجه ضروری‌تری به‌خود می‌گیرد. نقش‌های خانوادگی متناسب با ویژگی‌های تکوینی زن و مرد و

هدایت این نقش‌ها در ساختارهای ولایی، بهترین شکل پشتیبانی از تقسیم‌کارها برای حمایت از نهاد همسری و ساختار اولیه خانواده است.

«حق تمکین و تکلیف بر نفقه» در مورد شوهر در برابر «حق نفقه و تکلیف بر تمکین» در مورد زوجه، عامل بنیادین ناظر بر حقوق و تکالیف متقابل خانوادگی است (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۳۴، ۵۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۴، ۲۱۵ و ۲۱۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۱۷؛ پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۴۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۱۱؛ ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۲۶۲). این عوامل مهم‌ترین اقتضانات حقوقی نقش‌های بنیادین زوجین است. پشتیبانی این حقوق و تکالیف از ضمانت اجرای حکومتی مؤید دیگری بر بنیادین بودن آن است.

«مراسم رسمی خواستگاری و ازدواج» متناسب با آداب و رسوم اجتماعی، عامل بنیادین در محور مناسک اجتماعی ازدواج و تشکیل خانواده است (النساء، ۲۵؛ مائده، ۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۹۴ و ۹۷). مراسم رسمی ازدواج از طریق خواستگاری و با اذن بستگان، اعلام و برگزاری عمومی مراسم ازدواج، باعث رسمیت‌بخشی به نهاد همسری در شبکه بستگانی، همسایگی و دیگر گروه‌های اجتماعی می‌شود. رسمیت یافتن نهاد همسری در گروه‌های مختلف اجتماعی مستلزم ایجاد روابط جدید اجتماعی است و از این طریق زمینه تأثیر علی ساختارهای کلان‌تر اجتماع در تثبیت مودت ازواج را فراهم می‌آورد.

«التزام به روابط اجتماعی» به معنای ایجاد روابط و تعاملات منسجم و شبکه‌ای با دیگر گروه‌های اجتماع عامل بنیادین ناظر بر ساختار اجتماع است. تقویت روابط زوجین با شبکه خویشاوندی، شبکه همسایگی، شبکه همکاران، شبکه مربیان فرزندان و دیگر شبکه‌های اجتماعی، باعث درهم تنیدگی و ساخت‌یابی ساختارهای اجتماعی می‌شود. به‌طور طبیعی ساختارهای نهادینه شده اجتماعی مانع از فروپاشی اجزای خود می‌گردند.

عوامل معنوی، منطبق با تعبیری که در این پژوهش از آنها شد و مبتنی بر مبانی متاتئوریک در شمار عوامل مداخله‌گر در تمامی سنخ‌های عوامل مؤثر بر مودت ازواج قرار می‌گیرد. در بین عوامل مختلف معنوی، دعا به‌عنوان عامل بنیادین گزینش می‌گردد (الفرقان، ۷۴). دعا نوعی اعلام نیاز با معبود است که براساس باور فراتجربی موجب جلب توجه و اراده خدا به‌عنوان مؤثر اصلی در تمامی پدیده‌های انسانی و غیرانسانی می‌گردد.

۵. تبیین سازوکارهای منتهی به مودت ازواج

توجه به چند نکته برای تبیین شایسته سازوکارهای منتهی به مودت ازواج ضروری است. نخست آنکه، عوامل مسلط و بنیادین و محورهای عوامل براساس هدف تبیین علی کدگذاری شده‌اند. در صورتی که قصد ارائه مدل توصیفی، هنجاری یا کارکردی بود مطمئناً شیوه گزینش مفاهیم و محورها متفاوت می‌بود؛

دوم، عوامل ناظر بر مودت ازواج لایه‌های مختلف و پیچیده دارد که گاهی مستلزم همپوشانی محورها و تبیین‌های ناظر بر آنهاست. به‌عنوان مثال دعا که در سنخ عوامل تجربه ناپذیر معنوی لحاظ شد را می‌توان در شمار عوامل تجربی مؤثر بر الگوی شناختی و گرایشی افراد نیز قلمداد نمود؛

سوم، عوامل ناظر بر مودت ازواج در الگوی تبیینی مستلزم عدم همپوشانی در مدل‌های هنجاری است. بدین معنا که طرح برخی عوامل در مدل تبیین علی الزاماً به معنای توصیه به انجام آن نیست؛ مثلاً سحر به‌عنوان عامل مؤثر بر مودت ازواج به لحاظ مفاسدی که در گزاره‌های هنجاری دینی بشدت نهی شده است؛

چهارم، گزینش عامل مسلط و عوامل بنیادین و ارائه مدل را می‌توان براساس معیارهای مختلف صورت‌بندی کرد. پوشش دادن همه این معیارها ناممکن یا منجر به پیچیدگی‌های مخمل به اهداف پژوهشی از ترسیم مدل‌های انتزاعی است. ترسیم نمودارهای این‌چنینی همواره به‌منظور ساده‌سازی واقعیت است. این هدف مانع از پوشش حداکثری پیچیدگی‌های پدیده‌های انسانی مثل مودت ازواج می‌گردد.

برای کاهش مشکل اخیر، اولاً در این مرحله معیارهایی که در کدگذاری محوری مبنای تفکیک محورها قرار گرفت، مدنظر است؛ درثانی، نمودار فقط ناظر بر عوامل ایجابی است؛ ولی امکان تبیین از موانع یا عامل مسلط سلبی نیز مهیا است؛ سوم اینکه، در این مرحله تنها به بیان سازوکارهای ناظر بر عوامل روان‌شناختی و اجتماعی به‌عنوان محور اصلی مودت ازواج خواهیم پرداخت. همان‌گونه که در گزینش عوامل بنیادین استدلال کردیم؛ عوامل بنیادین جسمانی و زیست‌محیطی در شمار عوامل پیش‌زمینه قرار گرفتند و عامل بنیادین معنوی نیز در شمار عوامل مداخله‌گر قرار می‌گیرد.

با توجه به نکات مذکور، عوامل مودت ازواج در سه فراگرد طبیعی، اجتماعی و دینی که اجمالاً در تعامل با یکدیگرند، قابل تبیین هستند. این سه فراگرد به‌ترتیب ناظر بر ارضای نیازهای طبیعی، نیازهای اجتماعی و نیازهای متعالی مکتبی است.

فطرت به‌معنای شیوه‌ای از خلقت معطوف به هدف است که شامل مخلوقات مختلف از جمله

انسان می‌گردد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۷۸). در نوع انسانی حب ذات ریشه‌دارترین گزینه انسان است که او را به تأمین انواع نیازها و حفظ و تعالی حیات سوق می‌دهد. استخدام‌گری انسان نمود این گزینه است. خلقت انسان مبتنی بر تفاوت‌های جنسی (ذکورت و انوئت) و مقتضی شکل متوازی از نیازهای متقابل دو جنس نسبت به یکدیگر است (فطرت براساس زوجیت).

نیازهای اولیه عاطفی و جنسی هرکدام از زن و مرد نسبت به جنس مخالف، مبنای شکل‌گیری گرایش به ازواج در سیستم روانی زن و مرد است. احساس لذت مبنای انگیزشی این گرایش و شاخصی بر وجود این نیاز طبیعی است. گرایش جنسی و عاطفی به جنس مخالف محرک آشنایی با مصادیق عینی است. احساس لذت از این مواجهه و رغبت به کنش عاطفی و جنسی عامل ایجاد صمیمیت و تمکین جنسی می‌گردد.

گزینه فطری حب‌ذات و استخدام‌گری، سوق‌دهنده دو جنس به لذت‌بری انحصاری دو جنس مذکور از یکدیگر است. اهتمام به حمایت و ارضای نیازهای جنسی و عاطفی طرف مقابل و حفظ عفت جنسی، صفات اخلاقی است که از یک‌سو باعث تأمین گزینه استخدام و از طرفی باعث ساخت‌یابی الگوی بینشی، گرایشی و رفتاری مستلزم مودت بین زوجین مذکور می‌گردد. بر این اساس فراگرد اول مودت بین دو جنس مخالف در سیستم روانی شکل گرفته و به روابط عاطفی اولیه بین زوجین ختم می‌شود.

ایجاد روابط بین زوجین با پشتیبانی الگوی ساخت‌یافته روانی، مقتضی ساخت‌یابی روابط در عینیت خارجی نیز هست. شکل‌گیری ساختارهای طبیعی اجتماع براساس همین فرایند ایجاد می‌شود. «ازدواج» مهم‌ترین نهاد اجتماعی پشتیبانی‌کننده این اقتضا است که به ساخت‌یابی اجتماعی زوجیت به معنای روابط همسری بین دو جنس مخالف می‌انجامد. با ورود زن و مرد به ساختار اجتماعی زوجیت و توسعه روابط مختلف اجتماعی بین زوجین و دیگر گروه‌های مرتبط با آنها، شیوه روابط زن و مرد که تاکنون براساس رفع نیازهای طبیعی و لذت متقابل ناشی از آن بود، شامل رفع نیازهای اجتماعی و کسب منفعت متقابل و متعادل نیز خواهد بود.

تأکید بر «کفویت» به‌عنوان عامل بنیادین هنجاری به‌منظور پوشش‌دهی این ضرورت ارتباطی در بین زوجین است. تقسیم نقش‌های اجتماعی متناسب با توانایی‌ها و ویژگی‌های تکوینی هرکدام از زن و مرد از یک‌سو و به‌گونه‌ای متعادل با طرف مقابل از اقتضانات دیگر نیازهای اجتماعی مثل مبادله و عدالت اجتماعی است. تأکید بر نقش مدیریت و نان‌آوری شوهر در مقابل نقش فرزندآوری و خانه‌داری زن بدین جهت است. حق تمکین و تکلیف بر نفقه در مورد شوهر در مقابل حق نفقه و تکلیف بر تمکین در مورد زوجه، حقوق و تکالیف متناسب با نقش‌های مذکور است.

برخی مناسک و آداب و رسوم اجتماعی مثل مراسم مربوط به خواستگاری و ازدواج، از طریق درگیر کردن خانواده هرکدام از زوجین با بستگان طرف مقابل یا با اعلام عمومی ازدواج، ساختار زوجیت را در معرض ارتباط با دیگر گروه‌های اجتماعی قرار می‌دهد و زمینه روابط شبکه‌ای با گروه‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند. با ایجاد شبکه روابط زوجین با دیگر گروه‌های اجتماعی ساختار زوجیت به لحاظ پوشش یافتن نیازهای دیگر اجتماعی، بیش از پیش ثبات خواهد یافت. پوشش نیازها و منافع متقابل و متعادل بین زوجین با الگوگیری این شیوه روابط در ساختار خانواده و در ارتباط با دیگر گروه‌های اجتماعی و پذیرش این الگو در سازمان روانی زوجین تکمیل می‌گردد. فراگرد دوم منتهی به حفظ و تقویت مودت ازواج محصول این فرایند است.

خروج از مدار زوجیت و اقتضانات آن یکی از مهم‌ترین موانعی است که دو فراگرد طبیعی و اجتماعی منتهی به مودت زوجین را به شدت در معرض آسیب قرار می‌دهد. حفظ نظام زوجیت مستلزم ارضای متقابل و متعادل نیازها و متناسب با ویژگی‌های تکوینی زن و مرد است. با این وجود همان غریزه قدرتمند حب‌ذات و استخدام‌گری که منشأ مودت زوجین در شرایط طبیعی و اجتماعی است، تحت تأثیر طبع تمامیت‌خواه و استخدام‌گر انسانی، به تزلزل و فروپاشی نظام زوجیت و به دنبال آن تضعیف و اضمحلال مودت زوجین منجر می‌شود. مکتب اسلام با ایجاد و تحریک نیازهای متعالی، فراگرد سومی را برای حفظ و تقویت مودت ازواج پیشنهاد و پشتیبانی می‌کند.

نظام معرفتی اسلام، بینشی خاص نسبت به «هستی»، «خود»، «لذت»، «منفعت»، «مصلحت»، «هدف» و «روش رسیدن به هدف» را به نمایش می‌گذارد؛ به وسیله برخی مفاهیم تصویری و تصدیقی در قالب مفاهیم ارزشی، بینش‌های مذکور را پشتیبانی می‌کند؛ سرانجام با مجموعه‌ای از احکام تشریحی، رفتارهای متناسب با این بینش‌ها و گرایش‌ها را تضمین می‌نماید. عواملی مثل تعهد به ایثار و ارضای حداکثری نیازهای همسر در عین قناعت حداکثری و عدم انتظار ایثار از طرف مقابل، در قالب این نگرش مکتبی، عقلانیت لازم برای تبیین واقع‌گرایانه مودت ازواج را خواهد یافت.

تقدیس ازدواج، تقدیس کنش‌های طبیعی جنسی و عاطفی همسران، تقدیس نقش‌ها جنسیتی همسران، تقدیس حقوق و مسئولیت‌های جنسیتی همسران، تقدیس روابط اجتماعی همسران در کنار توصیف لذت‌ها و منافع معنوی و اخروی، مصادیقی از بازنمایی و ایجاد نیازهای جدید متعالی است. این نیازها در کنار لذت‌های فردی و منافع اجتماعی، در چرخه انگیزشی همسران قرار گرفته و فراگرد قدرتمند دیگری را برای حفظ و تقویت مودت زوجین پشتیبانی می‌کند. ایمان به خدا و عمل صالح براساس مکتب اسلام، بنیادی‌ترین عامل از عوامل دینی و پشتیبانی‌کننده نیازهای متعالی، نیازهای ثانویه و نیازهای طبیعی است.

براساس نظام معرفتی اسلام، حتی ایثار نسبت به لذائذ برآمده از ارضای نیازهای اولیه و ثانویه یا چشم‌پوشی از لذات مادی به نفع همسر یا خانواده، زمینه بهره‌بری از لذاتی متعالی در شرایطی جاودانه را ایجاد می‌کند. این مطلب اگرچه به ظاهر نوعی از خودگذشتی است لکن با زیربنایی بودن عامل خوددوستی و غریزه استخدام‌گری منافاتی ندارد. مفهوم «خود»، «لذت»، «منفعت» و «مصلحت» در این تفسیر به تبع توسعه‌ای که در معنای هستی داده می‌شود، توسعه می‌یابد. این توسعه باعث شکوفا شدن ابعاد نهفته «خود» انسانی شده و سنخ‌های مختلف و متعالی‌تری از زندگی، لذت، منفعت و مصلحت را برای همسران آشکار می‌سازد (صدر، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۲۲ و ۴۵؛ ج ۳، ص ۲۷۵).

۶. نتیجه‌گیری

براساس مدل نظری ارائه شده، «نیاز» به‌عنوان عامل مسلط بر تمام محورهای عوامل قابل توضیح و تبیین است. عامل مسلط شامل سه نوع نیاز طبیعی، اجتماعی و متعالی با منشأ طبیعت، اجتماع و مکتب است. عوامل بنیادی گزینش شده در محور عوامل جسمی و زیست‌محیطی به‌عنوان عوامل زمینه، عامل بنیادی معنوی به‌عنوان عامل مداخله‌گر در همه محورهای گزینش و تبیین گردید. عوامل روان‌شناختی و اجتماعی محورهای اصلی مؤثر بر مودت ازواج هستند. اکثر عوامل بنیادین در محورهای مختلف روان‌شناختی و اجتماعی متضمن تبیینی جنسی و جنسیتی‌اند. عوامل روان‌شناختی با محوریت نیازهای انسان در شرایط طبیعی و عوامل اجتماعی با محوریت نیازهای اجتماعی، فراگردهای طبیعی و اجتماعی منتهی به مودت ازواج را شکل می‌دهند. نگرش‌ها، ارزش‌ها و احکام دینی ضمن تأیید فراگردهای مذکور، با فعال کردن نیازهای متعالی، شکل جدیدی از عاملیت در الگوهای روانی و اجتماعی مؤثر بر مودت ازواج را ایجاد می‌کند.

تدوین الگوی نظری مودت ازواج در سه فراگرد طبیعی، اجتماعی و مکتبی در ضمن ارجاع آن به مفهوم فطرت، امکان ارائه تبیینی قانع‌کننده از مودت ازواج در شرایط جهان شمول و فرازمانی، وابسته به فرهنگ و وابسته به اعتقادات ارزشی را مهیا می‌سازد. به سبب تعارض نیازها و تفاوت در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و اولویت‌های ارزشی، نمی‌توان واکنش یکسانی در مورد سنخ‌های مختلف عوامل انتظار داشت. از این‌رو استفاده از مدل نظری تبیین عوامل مودت ازواج برای پیش‌بینی، کنترل و مداخله در سطح خرد مستلزم استفاده از روش‌های مکمل کیفی و معناکاوانه در کنار روش‌های کمی است.

منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبد‌الحمید بن‌هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، قم، چاپ اول.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، چاپ اول.
۳. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، قم، چاپ اول.
۴. ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، چاپ دوم.
۵. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، قم، چاپ دوم.
۶. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱)، فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع‌أحادیث‌الشیعة (للبروجردی)، ۳۱ جلد، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ: اول.
۸. بستان، حسین (۱۳۸۴)، «گامی به سوی علم دینی (۱)، ساختار علم تجربی و امکان علم دینی»، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۹. بستان، حسین (۱۳۹۰)، «گامی به سوی علم دینی (۲)، روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. بستان، حسین (۱۳۹۲)، «نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده»، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. ()، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، جلد، دنیای دانش - تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۲ش.
۱۳. تمیمی آمدی، عبد‌الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: چاپ دوم.
۱۴. چلبی، مسعود (۱۳۸۵)، تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل‌الشیعة، قم: چاپ اول.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، هدایة‌الامة‌إلی‌أحكام‌الائمة‌الطاهرة، مشهد، چاپ اول.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق)، الفصول‌المهمة‌فی‌أصول‌الائمة (تکملة‌الوسائل)، قم: چاپ اول.
۱۸. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴)، کند و کاوها و پنداشته‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. صدر، محمدباقر (۱۴۳۴)، موسوعة‌الإمام‌الشهید‌السید‌محمدباقر‌الصدر، دارالصدر قم.

۲۰. صدر، محمدباقر (۱۴۳۴)، موسوعة الإمام الشهيد السيد محمدباقر الصدر، دارالصدر قم.
۲۱. طباطبایی سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.
۲۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الأخلاق، قم: چاپ چهارم.
۲۳. علی بن موسی، امام هشتم (علیه السلام) (۱۴۰۲ق)، الرسالة الذهبية، ایران-قم، چاپ اول.
۲۴. کدخدایی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «الگوی تبیینی ساختارهای اجتماعی معطوف به واقعیت اجتماعی با الهام از اندیشه‌های شهید صدر»، کنفرانس بین‌المللی فقه، قانون و واقعیت اجتماعی، اسفند ۱۳۹۶.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، چاپ چهارم.
۲۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، چاپ دوم.
۲۷. بن عیسی (۱۴۱۰ق)، مجموعه ورام، قم، چاپ اول.